



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

ملالی موسی نظام

۰۶ دسمبر، ۲۰۲۲

محترم قیس کبیر، بعد از قلم فرسایی های نا بجا گاهی «سکوت» هم مناسب است

از مطالعه یاد داشت ها و جوابیه های گوناگون و ادعا و افتراء به این نتیجه میرسیم که نکات ذیل در شناخت این هیچمدان و معرفی بنده از طرف محترم قیس کبیر و دریافت وی از اصلاح نوشته نامبرده در زمینه شکل حقوقی «سیستم دولتی فیدیرال» در کشور از هم پاشیده افغانستان، آیا رنگی از حقیقت دارد یا نه؟!

یک - در ادامه این مبحث آنچه را نیک میدانم اینست که بر عکس محترم قیس کبیر و مقام دانشمندی بلندی که مدعی گردیده اند، این جانب همان مقام شاگردی ای که در آغاز تعلیمات ابتدایی در لیسه ملالی اتخاذ نمودم، تا روز مرگ محفوظ خواهد بود؛ یعنی که هرگز آن گوهر والایی که فهم و دانش باشد، نصیب این هیچمدانی که در پته «پله» اول آموزش علم قرار دارد، نخواهد شد و بگفته «شاید حضرت مولانا - آنکس که نداند و بداند که نداند»، من هستم. ولی آقای قیس کبیر از کجا دانسته اند که من به سراغ فرا گرفتن علم نرفته ام. در وبسایت افغان جرمن «که آرشیف من با ۲۹۵ مضمون از جانب امر وبسایت وقتاً فوقتاً ناپدید و حذف میگردد» سوانح مختصر نویسنده گان موجود است که نشان میدهد که اینجانب حتی در شرایط مهاجرت و مسئولیت اطفال و فامیل، کوشش های بندگی در زمینه داشته ام. البته در وقت تنظیم سوانح مختصر، از نشر اینکه همیشه شاگرد اول لیسه ملالی و پوهنخی حقوق و علوم سیاسی بودم و بورس پوهنتون «سوربن» پاریس را به نسبت داشتن فرزند خردسال رد نمودم، اکیداً جلوگیری کردم، چون بهر حال در طول حیات همان شاگردی مبتدی باقی می مانم که در بحر بیکران علم و دانش قطره آبی بیش نبوده است.

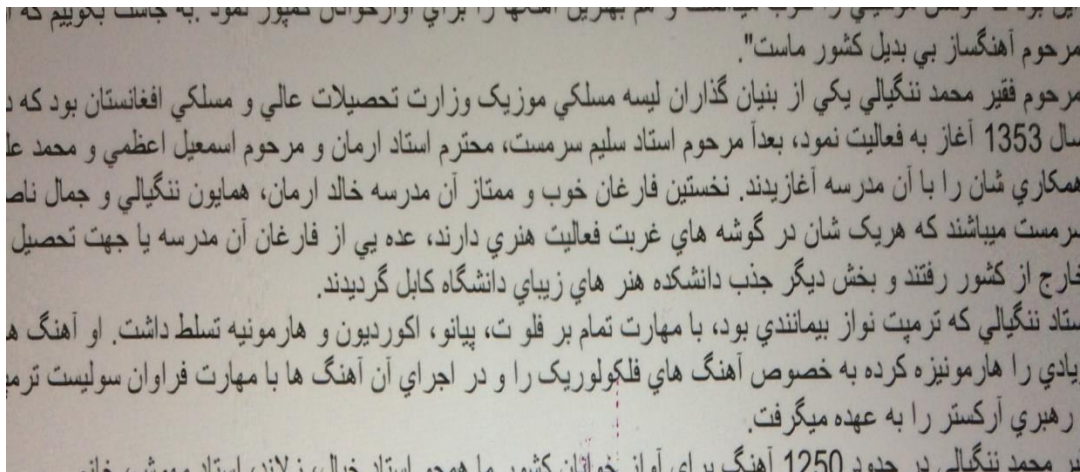
دو - آنچه را آقای قیس کبیر در باور به دانشمندی خویش میفرمایند برای مدیریت یک تشکیل مطبوعاتی جهانی و مسئول یک دکشنری و لغت نامه به السنه افغانی که ادعا میگردد با «تجاوز

سخت‌فروشی فرهنگی ایران مبارزه می‌نماید»، نمیتواند عملاً قابل قبول باشد. نامبرده باید باور نماید که این نکته مهم کم‌رسی وی به یکی از السنه ملی افغانستان در شرایطی که ذکر گردید، قابل بخشش نیست، بلکه مهاجرین افغان ما مخصوصاً حلقه مطبوعاتیان افغان همیشه انگشت بر چنین نکته قابل بحث می‌گذارند! پس اینکه این جانب بالاخره با نوشته ای سراپا مملو از اغلاط لغوی و اصطلاحی املائی و انشایی اشاره نمودم، هرگز نمیتواند خدای نکرده نظر سوئی در بین باشد و یا به زعم وی انتقاد ابزاری بر سایت یا قاموس واقع گردد، بلکه برعکس این هیچمدان، وی دقیقاً به مشکل **«خود بزرگ بینی»** که دشمن شخصیت و مقام اجتماعی انسان است، سخت مبتلا میباشد. چنانچه که مشک آنست که خود بوید، نه اینکه عطار گوید! نتیجتاً، برای اداره یک سایت فرهنگی افغانی و تشکیل یک لغت نامه جامع مانند همه مسئولین فرهنگ ها و دکشنری ها، با یک دانش والای ادبی، تجربه فراوان و معلومات عمومی و آفاقی وسیع، دهه های متوالی زحمت کشی صورت گرفته است و به گفته همان بزرگوار **«آنکس که نداند و نداند که نداند»** در قسمت این برادر مطبوعاتی پر تلاش ما متأسفانه صدق میکند.

باید عرض شود که با ۱۲ سال تحصیل لسان دری در کابل - افغانستان و ۵ سال هم درینجا، مگر برای یک شناسایی و تمرین و فراگیری حد متوسط لسان مادری ۱۷ سال کافی نیست که ایپاد و تابلت و عجله غیر مجاز «!؟» را برای نشر یک نوشته قابل انتقاد به مواخذه بکشانیم. بهتر آنست که بالاخره این لسان ملی اصیل و ارزشمند را هم در غربت و مهاجرت بیاموزیم. متأسفانه به رویت و مراجعه به آرشیف محترم قیس کبیر میشود که بیچاره تابلت، ایپاد و عجله در کار را که معذرت هم شناخته نمیشود، برانت نصیب نماییم.

باور داریم که استفاده از تابلت ها، ایپاد و یا عجله در کار، عذری برای اغلاط املائی ای مانند **امکانیات «امکانات»** و یا **قاطیعت «قاطعیات»** و ده ها تکراری مثل آن قبول نمیگردد چون واضحاً آشنایی به ریشه و اساس لغوی آنان شرط است.

سه - اینکه آقای قیس کبیر مدعی هستند که وی **« صرف قسمت تخنیکی قاموس را اداره مینماید»**، آرشیف وی وابستگی او را به قاموس طور دیگری ثابت می نماید! بر علاوه این ادعا اثبات عذر بد تر از گناه است که نشان میدهد اداره قاموس دقیقاً بدون بر رسی و کنترل و چگونگی ثبت مطالب پیش میرود، مانند همین معرفی سه صفحه یی مرحوم **«فقیر محمد ننگیالی»** و موجودیت اصطلاحات نابجای ایرانی!!



نمونه ای از تشریحات چندین صفحه یی یکی از نشرات اخیر که حجم اکثر موضوعات در قاموس کبیر سوال بر انگیز است. نظر به خواهش آقای قیس کبیر، مشت نمونه خروار، اسمای قابل افتخار «!» مدرسه، دانشگاه و دانشکده که در صفحات وبسایت و قاموس آن همواره قرار می گیرند.

لطفاً به این حقیقت عجیب توجه بفرمایید. بگمانم سال ۲۰۲۰ بود که استاد من در مسایل انترنتی، از طریق سکپ ثابت نمود که آنانی که کود دخول به « قاموس کبیر » را نداشتند با موجودیت یک نقیصه تخنیکی داخل پروگرام آن شده نمیتوانستند. این مشکل به تجربه آن استاد خیره بیشتر از شش ماه دوام نموده بود. پس اینکه آقای قیس کبیر ادعای استعمال قاموس را در سرتاسر جهان می نماید، چه را باید باور نماییم!! خیر آنانکه کلید یا کود دخول به صفحات قاموس را نداشتند، در آنزمان ورود شان ناممکن بود. اینکه چرا به اولیای امور شکایتی نرسیده بود، شاید در حقیقت احتیاجی برای آنان موجود نبوده است....

چهار - محترم قیس کبیر که بر متن مضمونی که من به مناسبت «بزرگداشت از روز های مبارزه بر علیه خشونت بر زنان» داشتم و دردا که افغانستان دایمی در صف اول خشونت های غیر بشری بر زن و دختر مظلوم خود قرار دارد، هیچ توجهی مبذول نداشت، بلکه صرف بر نصب «همزه ای» بر لغتی بر این شاگرد انتقاد فرمود، در حالیکه ازین روز های مهم مبارزات و حال زار طبقه اناث وطن از همکاران محترمه وبسایت وی هیچ اشاره و خبری دیده نمیشود!!

پنج - وبسایت ملی و افغانی «استقلال خپلواکی» که آقای قیس کبیر این جانب را با تمسخر «نویسنده استقلال» عنوان نموده است، هرگز از سابقه داران علنی و مخفی وابسته به جنایتکاران خلقی و پرچمی و اولیای بد نام «ح د خ ا» و وابستگان تنظیم های سخیف جهادی که جنایتکاران و دشمنان

ملت شمرده میشوند، در وبسایت منزله و افغانی استقبال ننموده و دوست را از دشمن مردم مظلوم افغانستان تفکیک میدارد.

بلی اینکه افغان جرمن به گفتهٔ محترم قیس کبیر، بزرگترین وبسایت از لحاظ کمیت میباشد، باور میداریم! برعکس، سایت «استقلال خپلواکی» همیشه بر کیفیت مطالب تکیه دارد نه بر کمیت، سه عضو هیأت تحریر آن کاملاً مستحضر اند که فراوانی تعداد نوشته‌ها و اشعار که بر مبنای اصول و قواعد لسانی، صرف و نحوی و ادبیات پسندیدهٔ افغانی استوار نباشد، ذهن خواننده را مغشوش، جنبهٔ آموزشی وی را خدشه دار ساخته و روحیهٔ انتقادی بر اغلاط و جمله بندی‌ها را در ذهن خوانندگان پرورش میدهد، مخصوصاً که اصلاحات ادبی و وابستگی به اصول و قواعد السنهٔ ملی در مطالب صورت نگیرد. مثلاً مسئولیت یک نوشته بر عهدهٔ نویسنده طوری باشد که به عوض مکتب «مدرسه» و به جای اسم وزین «پوهنتون و پوهنځی» اصطلاحات نا مأنوس مراکز تعلیمی ایران یعنی «دانشگاه و دانشکده» قرار گیرد و مسئولین سایت آنرا نادیده بگیرند!!

شش - حال میرویم به سراغ حقیقتی که آیا قلمی که من در دست دارم به ادعای آقای قیس کبیر، از برکت وبسایت افغان جرمن است یا از برکت توجه و تشویق خانم‌های دانشمند و بزرگواران فضل و دانشی که با وجود شرایط ناهنجار، پیش قراولان معارف زن و دختر در افغانستان بودند: برعکس آقای قیس کبیر که از مادر فاضل و دانشمند خویش اقلأ نوشت و خوان ساده و معمولی دری اصیل افغانستان را نیاموخت، این قلم از سه استاد بزرگوار که همه خانوادهٔ وی هم محسوب میگردیدند، اقلأ همین قدر آموختم که بتوانم جرأت نوشتن را حاصل نمایم، این سه خانم ارزشمند مرحومان «خدیجه جان عمر، عزیزه جان انوری و عالیه جان پرونتا»، هر یک تا آخرین روز‌های عمر در غربت هم با من در ارتباط بوده و از لطف فراوان‌شان آموزش و افتخار زیادی نصیب من گردید که روح‌شان شاد و یاد عزیز‌شان گرامی باد! اینهم داستانی از استاد من مرحومه «خانم عزیزه جان انوری»:

" متعلم صنف یازدهم لیسهٔ عالی ملالی بودم که به ادارهٔ مکتب احضار گردیدم و در آنجا محترمه «عزیزه جان انوری» از مقاله‌ای که تحریر نموده بودم یاد آوری نمود که گویا آنرا برای شمول در مسابقه‌ای به ریاست مطبوعات وقت ارسال نموده بود. بعد از مدتی به محفلی رسمی در «هوتل آریانا» دعوت گردیدم که جوایز را گویا توزیع می نمودند و با تعجب آن اثر که به شکل داستانی کوتاه تحریر گردیده بود حائز جایزهٔ اول مطبوعاتی سال گردید، طوریکه با گذشت روزگار و

مهاجرت ها، من آنرا در مطبوعات ایرانی و کتب معرفی نویسندگان زن افغان یافتیم. «روایت -

معرفی نامه داستان زنان افغانستان - داستان های امروز افغانستان»

من در طول حیات شکرگزار از مادری فاضل و استادان دانشمند خویش هستم که مایه افتخار این شاگرد در سرزمین مقدس افغانستان بوده اند. اگر سایت افغان جرمن به نویسنده سازی و آموزش لسان دری اصیل افغانستان عاری از استعمال لغات و اصطلاحات اجنبی موفق میبود، اولتر این عملیه افتخار آفرین را در حق مدیر مسئول آن روا میداشت. فراموش نباید کرد که در امریکا سال های متمادی جراید و مجلاتی چون درد دل افغان، مردم افغانستان، آیینة افغانستان و امثال آن به همت مطبوعاتیان فاضلی چون «آقای وهاج، آقای وحدت و آقای هاشمیان» مطالب هموطنان و قلم بدستان را در مهاجرت نشر مینمودند.

اینهم نمونه ای از عدم توجه به تنظیم یک جمله ساده که با بیجا قرار دادن لغات و با نبود علایم ضروری تحریر «سجاوندی» مانند کامه، سوالیه، و امثال آن در جاهای مناسب، مفهوم کاملاً مغلق میگردد.

سایپ صاحب سلامونه، گپ هایت معقول، ولی من نه میرمن نظام بلکه خودم تصمیم

سکوت را گرفتیم...

با احترامات زیاد

هفت - حال به خواهش جدی برادر مطبوعاتی ما محترم قیس کبیر میپردازیم که ادعای اینجانب بر استعمال اسمای خاص مراکز تحصیلی ایران « دانشگاه و دانشکده» و بقیه مسائل سؤال بر انگیز کج روی ها در متون قاموس و مغالطه در متن و حتی معرفی ولایات افغانستان باشد، ثابت گردد، تا مشاهده گردد که آیا اینقلم واقعاً استفاده ابزاری «!؟» از قاموس نموده ام و یا برحقیقی انگشت گذاشته ام:

با کلیک بر لینک آتی، قسمت چهارم مبحثی تحت عنوان «بعضی ابهامات را باید با شواهد ومدارک

حل نمود» که به پشتیبانی از نظریات دانشمند خبره محترم سید هاشم سدید بتاریخ ۲۸ مارچ ۲۰۱۷
تحریر گردیده بود، حضور تان تقدیم میگردد:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/m_nezam_ba

[li_bazi_ebhamat_ra_4.pdf](#)

در پایان بعد از معذرت از طوالت اجباری کلام، نظری هم به چند سطر مختصر از آقای قیس کبیر در دریچه امروز افغان جرمن که اینبار البته که هیچ عجله ای نداشته و از تابلت هم استفاده ننموده است، می اندازیم:

اسم: قیس کبیر محل سکونت: المان تاریخ: 06.12.2022

..... استاد معروفی، واقیعت (واقیعت) محض اینست که محرک و مبتکر اصلی ایجاد "قاموس کبیر افغان جرمن آنلاین" آن «!؟» نه آقای "سید هاشم سدید" (نه) بودند بلکه بعد از مذاکرت زیاد با تعداد (تعدادی) از اعضای تیم راجع به تدوین آن، آقای مسعود فارانی بدون آگاهی من، اعلام شروع کار قاموس را کردند. البته دانشمندان (دانشمندان) مانند محرومین (مرحومین) استاد هاشمیان، استاد نگارگر و تعداد دیگر، از این اقدام پیشتابانی (پشتیبانی) کردند و برایم قوت قلب دادند. برعکس کسانی (کسان) دیگری به سنگ اندازی پرداختند. من از استاد "سید هاشم سدید" سپاسگذارم که مدت (مدتی) با من همکاری کردند و به دلایل نامعلوم از همکاری دست کشیدن (کشیدند).....

تا فرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد